

ستون اول

دشمنی با چپ و طبقه کارگر

وزارت خارجه امریکا در نامه ای به دولت ایران، ضمن ابراز نگرانی از مرگ ابراهیم لطف اللهی، خواهان آزادی ۳ تن از پیروان کیش بهائیت در شیراز شده است.

وزارت خارجه امریکا در مقابل دستگیری های وسیع دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب در سراسر ایران و شکنجه وحشیانه آنان در زندانهای جمهوری اسلامی سکوت کرده است. این ریاکاری دمکراسی بورژوازی را بار دیگر به صورت عریان، نشان میدهد. حدود و ثغور و ظرفیت دمکراسی بورژوازی و حقوق بشرش تا همین حد قد می دهد.

وقتی پای جنبشهای ازادخواهانه و برابری طلبانه به میان می آید، وقتی پای جنبش طبقه کارگر برای رهایی از تبعیض و ستم و استثمار سرمایه داری به میان می آید، دمکراسی کر و لال است و دیگر معنایی ندارد.

این جنبشها باید سرکوب شوند تا سرمایه در سایه دمکراسی بورژوازی امنیت داشته و از قبل نیروی کار طبقه کارگر سود تولید کند.

دولت مردان امریکایی به همان اندازه رژیم اسلامی نگران رشد و گسترش جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران هستند. به همین دلیل از بردن نام این جنبش و فعالین و رهبران زبانشان میسوزد.

رییس جبهه مشارکت و محمد خاتمی هم از گسترش فعالیت چپ در دانشگاهها ابراز نگرانی کرده و احمدی نژاد را عامل ایجاد این خطر برای بورژوازی و دولت اسلامی اش در ایران قلمداد کرده اند. منافع بورژوازی از واشنگتن تا تهران و تل آویو و همه جای دنیا یکی است. منافع طبقه کارگر و کل جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران حکم میکند که صف قدرتمند خود را در مقابل سرمایه داران و دولت اسلامی شان تشکیل داده و مستحکم سازند. این صف را امروز دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب نمایندگی میکنند.

طبقه کارگر، توده مردم زحمتکش و زنان برابری طلب در ایران دین و وظیفه سنگینی در دفاع و حمایت از این سخنگویان و بهترین فرزندان خود و در قبال آزادیشان از زندان و شکنجه گاههای رژیم بر عهده دارند *

تلویزیون پرتو با کوروش مدرسی



(۱) دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب، نوک کوه یخ یک جنبش عظیم در جامعه

... اگر این نوع ارباب در سال های ۶۰ نتیجه داد، امروز برای جمهوری اسلامی یک تف سر بالا است. این سیاست تنها به نفرت عمومی از جمهوری اسلامی و یک تف بزرگ به صورت احمدی نژاد و خامنه ای و همه این سیستم تبدیل میشود. این اقدامات به موج عظیم تری علیه این سیستم و به مشت محکمی بر دهان هر چه آخوند و اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی است تبدیل میشود.

(۲)

چیزی که به آن انتخابات می گویند توهین به شعور مردم است

... امروز دیگر بحث انتخابات بحثی راجع به جمهوری اسلامی نیست. بیشتر در باره اپوزیسیون جمهوری اسلامی است. این انتخابات ورشکستگی و بی ربطی اپوزیسیون را که مشغله اش انتخابات است نشان میدهد. مشغله مردم سرما، گرانی، فقدان آزادی، سرکوبهای دانشجویی، آپارتاید جنسی و استثمار است.

(۳)

برای مبارزه باید متشکل شد

... آقای خامنه ای و بقیه مقامات دولتی لطفا حساب های بانکی شان را اعلام کنند. سرمایه و پول های در حساب هر چه آخوند و آیت الله و حوزه علمیه است اعلام بکنند، ببینیم با پول این حساب ها نمی شود به همه بیمه بیکاری داد؟ نمیشود برای همه مجانی گاز تهیه کرد؟

ص ۲

تماس مستقیم با کوروش مدرسی
Koorosh.modarresi@gmail.com
تلفن ۰۰۴۴۷۷۴۸۶۳۰۸۳۳

هر جمعه با کوروش مدرسی در تلویزیون پرتو
سوالاتی را که مایل هستید با او مطرح کنید
Partow.tv@gmail.com

برای تشکیل مجمع عمومی اجازه جمهوری اسلامی لازم نیست

حسین مرادیگی ص ۶

قطعه نامه تحریم علیه ایران برزخ بحران هسته ای

رحمان حسین زاده ص ۵



ساعات پخش:
۸:۳۰ تا ۹:۳۰ هر شب به وقت تهران
تکرار: روز بعد ۲:۳۰ تا ۳:۳۰ بعد از ظهر،
هات برد، کانال ۶

پرتو نشریه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، هر هفته دو شنبه ها منتشر می شود!
پرتو را بخوانید و به دوستان خود معرفی کنید!

زنده باد سوسیالیسم

دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب، نوک کوه یخ یک جنبش عظیم در جامعه

پرتو: در رابطه با دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب می دانیم که تعدادی از آنها آزاد شده و تعداد زیادی هنوز در زندان بسر می برند. علی رغم اعتراضات سیاسی مردم و فشارهای بین المللی کماکان فشار بر زندانیان ادامه دارد. جمهوری اسلامی از این سیاست چه چیزی را تعقیب می کند؟

کورش مدرسی: معلوم است که سیاست رژیم ترساندن است. ترساندن مردم، ترساندن دانشجویان و ترساندن صف آزادی خواهی و برابری طلبی. باید توجه کرد که صف آزادی خواهی و برابری طلبی محدود به دانشگاهها نیست. در جامعه، در طبقه کارگر و در میان مردم زحمتکش ریشه دارد. جمهوری اسلامی میخواهد به همه به قبولاند که فایده ندارد، و دستگیر تان میکنند و کارتتان به جایی نمی رسد. و در این راستا درست مثل هر رژیم فاشیستی و سرکوب گری عکس العمل نشان میدهد. دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب در واقع نوک کوه یخ یک جنبش عظیم در جامعه هستند. آرمان برابری طلبانه کارگر و زحمتکش آن جامعه، آرمان جنبش ضد آپارتاید جنسی، ضد اختناق و مذهب. جمهوری اسلامی میخواهد جلو این جنبش را بگیرد. تاکتیک های رژیم هم شناخته شده و روش های پا خورده همه رژیم های مرتجع است.

بعید میدانم سرکوب رژیم در جامعه تاثیر پای بر جایی بگذارد. تاثیر این سرکوب ها به خیلی عوامل دیگر هم بستگی دارد. امروز وقتی به فضای درونی دانشگاه ها نگاه کنید متوجه میشوید که فضا اتفاقا به درجه آژیته و در مقابل رژیم جری

شده است. بخش زیادی از دانشجویانی که تازه پا به محیط دانشگاهها گذاشته اند و در شرایط عادی تری شاید دو یا سه سال طول می کشید تا جذب فعالیتهای چپ و جذب دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب شوند به سرعت جذب این آلترناتیو چپ میشوند و فضای پرخاشگری به رژیم بوجود آمده است. البته، طبعاً در سطح تعدادی که در خطر دستگیری و شکنجه و زندان هستند یک درجه احتیاط و هوشیاری لازم، و شاید دیر، شکل گرفته است که به آن نمی توان ترس گفت. بلکه باید گفت یک تاکتیک و یک سیاست عاقلانه است که خودشان را در معرض دستگیری قرار ندهند.

انصاف، انقلابی گری و انسانیت، آزادی خواهی و برابری طلبی حکم می کند که مستقل از اینکه در زندان چه گذشته است، یک حلقه قوی عاطفی و سیاسی دور همه کسانی که آزاد شده اند ساخته شود و آنها مورد حمایت همه جانبه قرار گیرند. کسی که میخواهد به انسانیت فکر کند و تاکتیک های جمهوری اسلامی را خنثی کند باید کاری کند که این بچه ها هر چه سریع تر از زیر بار فشار عظیمی که بر آنها وارد شده کمر راست کنند. به آنها کمک شود.

پرتو: پیرامون این دستگیری های اظهارات مختلفی وجود دارد مبنی بر اینکه بعضی ها روحیه شان خوب است و بعضی ها نیست. و یا جامعه هنوز هاج و واج و گیج است این چه چیزی را نشان می دهد؟

کورش مدرسی: ببینید، جمهوری اسلامی وثیقه های سنگینی گذاشته که هر خانواده ای که وضع مالی خوبی نداشته یا کارگر و زحمت کش و یا خانواده متوسط آن جامعه باشد اصلاً امکان این را ندارد که چنین وثیقه ای را تهیه کند، در واقع می خواهد خانواده های کم درآمد و بچه های شان را بیشتر در زندان نگه دارد. چون نمیتوانند وثیقه بگذارند و

فرزندانشان را آزاد کنند. و بین خانواده دستگیر شده ها که عامل مهمی در اعتراض به رژیم هستند شکاف بیاندازد. واقعیت این است که خانواده ها علی رغم دوری و نزدیکی ها جمع خوبی برای دفاع از همه بچه های دستگیر شده هستند و نقش مهمی داشته اند. جمهوری اسلامی میخواهد با تهدید و ارعاب و همینطور با قرار دادن چنین وثیقه های سنگینی بین آنها شکاف بیاندازد. به گمان جمهوری اسلامی خانواده هایی که بچه هایشان آزاد میشوند را از جمع اعتراض خانواده ها بیرون بیندازد و بقیه را ضعیف و منفعل کند. این واقعیتی است که پشت این به اصطلاح آزاد کردن ها هست. به علاوه باید دقت کرد که همه دستگیر شده ها، چه زندانی و چه آزاد شدگان، یک دوره به شدت سخت و تلخ و پیچیده ای را از سر گذرانده اند و بسیاری از آنها در شرایط سخت و دشواری قرار گرفته اند. جمهوری اسلامی میخواهد در ذهن همه، از جمله خود زندانیان جای قربانی و قربانی کننده را عوض کند. میخواهد علیه کسی که قربانی شده نفرت بوجود بیاورد. یکی از شگردهای رژیم این است که نفرت علیه خود را به سوءظن و بدبینی نسبت به کسی که قربانی شده تبدیل کند. باید موقعیت کسی که آزاد شده را فهمید که دوره سختی را پشت سر گذاشته اند. اما جنبش ما دیگر از نظر فکری و عاطفی در مقابل داستان تواب سازی های سال های ۶۰ به درجه زیادی واکنسینه شده است. دانشجویان دستگیر شده امروز اولین تجربه مستقیم سرکوب چپ به شکل بسیار شنیع و کثیف را در مقابل خود دارند. جمهوری اسلامی بازجوهایی سالهای ۶۰ را به اوین و به کار شنیع شان برگردانده است. ←

است و غیره. چپ و دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب به عنوان صدای این اعتراض به میدان آمده است. به عقیده من پژواک آن را در بقیه جامعه و در میان طبقه کارگر خواهند شنید.

دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب کار بزرگی کرده اند و من فکر میکنم که تأثیرات عمیقی در جامعه می گذارد. جای دیگری گفتم که در جامعه ایران یک موجود سیاسی جدیدی متولد شده است. یک بچه شیری متولد شده است که قبلا به این شکل در صحنه نبود. و این آن جنبشی است که میتواند جمهوری اسلامی را سرنگون کند.

جنبش آزادی خواهی و برابری طلبی.

این را همه شغلان سیاسی و ارتجاعی میدانند که بسیج شده اند تا این بچه شیر را نابود کنند. تولد این موجود جدید پژواک عمیقی در جامعه ایران خواهد داشت.

آزاد شده ها، شکنجه شده ها، و فعالیتهای حول آن، خانواده ها، بطور کلی در رابطه با جنبش آزادی خواهی

و برابری طلبی در جامعه و پروسه ای که شروع شده است چه فکر میکنید. همه نقاط مثبت و منفی آن.

کوروش مدرسی: از نظر سیاسی این اتفاق مهمترین تعرض چپ بعد از سالهای ۶۰ است. جای دیگری گفتم که اعتراضات امسال دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب امسال مظهر درایت، جسارت و قابلیت سیاسی بود و صحنه اعتراض علیه جمهوری اسلامی را از پایه تغییر داد. اما از نظر چگونگی انجام این کار و به اصطلاح از نظر عملی فکر میکنم هنوز زود است وارد جمع بندی شویم.

امروز وقتی نگاه کنید میبینید سخنگوی اعتراض به جمهوری اسلامی نه دو خردادی ها سابق هستند و نه دفتر تحکیم وحدت

نشان میدهد که خانواده ها مورد حمایت خیلی گرم جامعه و اطرافیان شان هستند که لابد به تامین وثیقه ها کمک می کنند. با این وجود آیا در مورد وثیقه ها نگرانی وجود دارد؟

کوروش مدرسی: راستش تنها نگرانی من ایجاد شکاف بین خانواده ها است. دسته دسته و بخش بخش شان می کنند. باید به شدت با کسانی که آگاهانه یا نا آگاهانه در این صف شکاف بوجود می آورند و یا شکاف را دامن میزنند درافتاد. اینها به مبارزه برای آزادی زندانیان از پشت خنجر میزنند. خود خانواده ها و وکلایشان کمیته پی جویی را تشکیل داده اند باید کمک کنیم که کل جامعه از آنها حمایت کند. امروز روزی است که باید جمع شد و حمایت کرد. طبقه کارگر و زنان آن جامعه بخصوص در این اوضاع نقش مهمی دارند.

پرتو: اگر ما اینها را کنار بگذاریم، مسئله دستگیر شده ها،

این زندانیان با این پدیده روبرو شده اند و طول می کشد تا به شرایط عادی برگردند.

انصاف، انقلابی گری و انسانیت، آزادی خواهی و برابری طلبی حکم می کند که مستقل از اینکه در زندان چه گذشته است، یک حلقه قوی عاطفی و سیاسی دور همه کسانی که آزاد شده اند ساخته شود و آنها مورد حمایت همه جانبه قرار گیرند. کسی که میخواهد به انسانیت فکر کند و تاکتیک های جمهوری اسلامی را خنثی کند باید کاری کند که این بچه ها هر چه سریع تر از زیر بار فشار عظیمی که بر آنها وارد شده کمر راست کنند. به آنها کمک شود.

پرتو: من مصاحبه مادر اینانز جمشیدی را با رادیو فردا گوش میکردم، که گفت ۱۰۰ میلیون تومان وثیقه گذاشته اند در حالیکه تمام هستی من ۱۰۰ میلیون تومان نیست و بعد شنیدم که خوشبختانه آزاد شده این

(۲)

چیزی که به آن انتخابات می گویند توهین به شعور مردم است

نماینده جبهه مشارکت با روزنامه نیویورک تایمز را دیده اید یا نه، در رابطه با دستگیری و شکنجه دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب شکایت اش از این است که چرا اصلا چپی ها رشد کرده اند. و دلیل رشد چپ در جامعه را لاس زدن های احمدی نژاد با چاوز و کوبا میدانند. میگوید معلوم است که وقتی با ونزولا و کوبا لاس میزنید در داخل هم چپ ها رشد میکنند! به نظر من کسی باید پیدا شود و به صورت این آقای مشارکتی فقط تف کند. بگوید آخر آدم بی شرافت انسانی، یک عده را گرفته اند و شما دارید برای آمریکا خودشیرینی میکنید؟ برای سیستم جمهوری اسلامی ناراحت هستید که چرا چپ

که امروز میشود نتیجه وجود دار و دسته اصلاح طلبان است. کسی نیست از ایشان به پرسد که این آزادی دیالوگ را اسالو و صالحی هم باید قبول کنند؟ کارگرانی که دارند اخراج می شوند قبول کنند؟ دانشجویانی که زیر شکنجه هستند قبول کنند؟ اینها دارند چرتکه می اندازند که در جامعه ایران آزادی هست یا چقدر هست. این استدلال ها فقط ماهیت عقب مانده و ضد مردم و ضد آزادی خواهی و ضد برابری طلبی این اپوزیسیون را افشا میکند.

میخواهم بگویم که در این انتخابات مردم اپوزیسیون را بیشتر میشناسند. کار ما این است که از این اپوزیسیون عکس یادگاری بگیریم که یادشان نرود. نمیدانم مصاحبه

بدهید. به این میگویند انتخابات اسلامی. هیچ جای دنیا به این مضحکه نمیگویند انتخابات. اگر قبلا به هر دلیلی هر گونه توهمی به آن بود امروز دیگر نیست.

به نظر من امروز دیگر بحث انتخابات بحثی راجع به جمهوری اسلامی نیست. بیشتر در باره اپوزیسیون جمهوری اسلامی است. این انتخابات ورشکستگی و بی ربطی اپوزیسیونی را که مشغله اش انتخابات است نشان میدهد. مشغله مردم سرما، گرانی، فقدان آزادی، سرکوبهای دانشجویی، آپارتاید جنسی، استثمار است. مشغله مردم این است که نان ندارند بخورند، و مشغله محمد رضا خاتمی این است که گویا این دیالوگ آزادی

پرتو: انتخابات قبل از اینکه در جامعه گرم و بحث اش داغ باشد توی اصلاح طلبان که لیست کاندیداهایشان را معرفی کرده اند بحثش گرم است، آنها انتخابات آزادی را انتظار داشتند. بحث اصلاح طلبان را در مورد انتخابات دوره هشتم و هم وضع رژیم و انتخابات را چگونه می بینید و چقدر مورد استقبال قرار خواهد گرفت؟

کوروش مدرسی: چیزی که به آن انتخابات میگویند توهین به شعور مردم است. یک مشت آخوند با عمامه و بی عمامه مینشینند ده جور الک اسلامی را بکار می اندازند تا نخاله ترین های اسلامی را جدا کنند و بعد به مردم میگویند شما حق دارید به یکی از این ها رای



(۳)

برای مبارزه باید متشکل شد

پرتو: مسئله ای که هفته هاست در جریان است، انهم سرما و گرانی و زندگی سختی است که مردم در آن بسر می برند. جمهوری اسلامی بخشا اعلام کرده است در بخشهایی از کشور که باید کاری کرد. گویا خامنه ای گفته در مناطقی که گاز قطع شده باید گاز ارزان تر شود. مناطق روستایی در شمال کشور. این قول داده شده اما تا کنون جامعه مشکل دارد و تعداد زیادی هم از سرما و گرسنگی و گاز گرفتگی تلف شده اند.

کوروش مدرسی: دولت و خامنه ای و احمدی نژاد و هر کدام دلیلی می آورند ولی واقعیت هایی را مجسم کنید. این جامعه پر از ثروت است. ثروتی که دست دولت است، زیر زمین است، دست سرمایه دارها ست، دست آخوندها است، ثروتی که صرف سپاه پاسداران و ارتش می شود. جامعه پر از ثروت است و جامعه پر از انسانهایی است که کار می کنند و ثروت تولید میکنند یا کمک میکنند به تولید این ثروت. اینها بخش وسیعی از جامعه اند.

مسئله این است که تولید کنندگان جامعه از همه چیز محروم اند و انگل ها همه چیز دارند. زلزله میاید آنها چیزی شان نمیشود اینها بیچاره میشوند. باد و بوران و سرما میاید برق و گاز آنها قطع نمیشود مردم همه چیز شان قطع میشود. واقعیت این است که در جامعه ثروت هست و دولت بعنوان نماینده سرمایه داران ثروت مردم را قبضه کرده است. مردم بدبختی اش را میکشند. آقای خامنه ای و بقیه مقامات دولتی لطفا حساب های بانکی شان را اعلام کنند. تمام حساب های هر چه آخوند و آیت الله و حوزه علمیه است اعلام بکنند ببینیم با پول این حساب ها نمی شود به همه بیمه بیکاری داد؟ نمیشود برای همه مجانی گاز تهیه کرد؟

است، که همه بورژواها و بورژوازی ایران هستند، باید جلو احمدی نژاد سجده کنند، چون حرفی ندارند بزنند جز اینکه انتقاد کنند قیافه اش مثل میمون است از ته جامعه آمده، بی سر و پا ست و حرفهای بی معنی از این نوع!

بلحاظ سیاسی اینها دیگر انتقاد مهمی به جمهوری اسلامی ندارند و چشمشان به انتخاباتی است که دولت مکرره ناسیونالیست جمهوری اسلامی اینها را در قدرت شریک کند در سفره ای که بر عرق جبین و کد یمین کارگر و زحمتکش آن مملکت پهن کرده اند مینشینند یا نه؟ در نتیجه تاکتیک شان هم همین میشود که اشاره کردید. در نگاه اول به نظر میرسد که که یا اینها احمق اند و یا مردم را احمق فرض می کنند.

احتمالا واقعیت چیزی است بین این دو. به هر حال مثل همیشه پیام شان به مردم ایران و طبقه کارگر و زحمتکشان و دانشجویان آزادی خواه و مبارز و به هر کسی که در آن جامعه دارد مبارزه قاطع میکند این است که این مبارزه نا لازم است. صبر کنید کمیته انتخابات درست شده که اگر چند نفر از ما را هم راه ندادند میرویم و ۴ سال دیگر دوباره همین را تکرار میکنیم.

انتخابات سیکلی شده که در آن اپوزیسیون بورژوایی همیشه فشار جامعه را خالی کند. بگوید حالا نمیخواهد زیاد شلوغ کنید. دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب یا کارگران برای چه شلوغ کرده اند؟ اگر آنها شلوغ نمیکردند ما میرفتیم در انتخابات شرکت میکردیم و اوضاع برای ما بهتر میشد.

گفتم که این انتخابات یک صحنه نمایش است. که مردم باید در آن نقش احزاب و جریانات و خصلت طبقاتی این احزاب و جریانات را ببینند و بشناسند و یادشان نرود.

رشد کرده است؟ اینها ربطی به مردم ندارند.

به نظر من انتخابات بهترین دریچه ای است که مردم باید نگاه کنند ببینند کی به آنها مربوط و کی نا مربوط است و به کل این سیستم از خامنه ای و احمدی نژاد و خاتمی و همه شان بگویند نه. همه اینها یک مشت جنایتکار اند که دارند خون مردم را می مکند.

پرتو: در مورد اپوزیسیون نیمه مجاز جمهوری اسلامی گفتید که دلشان خوش است. میدانید که جریان ناسیونالیسم پروغرب و سلطنت طلب و جریانات و سازمانهای وسیع ترو مشروطه خواهان هم دلشان خوش بود به کمیته ای که تشکیل شده بود در داخل کشور برای اینکه تقلا کنند که انتخابات آزاد برگزار شود. داریوش همایون خیلی بحث رمانتیکی داشت که این کمیته چقدر موجود خوبی است و .. اینها موقع جنگ میگفتند از تمامیت ارضی دفاع می کنیم الان پشت انتخابات آزاد ایستاده اند. این آیا از زبونی شان است و یا اینها چه چیزی را در این میان تعقیب میکنند؟

کوروش مدرسی: سلطنت طلب عنوان گویائی برای همه اینها نیست. اینها اپوزیسیون بورژوایی جمهوری اسلامی هستند. سلطنت طلبها هم یک گوشه از آن هستند و جبهه مشارکت هم گوشه دیگر آن است.

جمهوری اسلامی یک اپوزیسیون بورژوائی دارد. اینها تاریخی دارند و طی ده سال گذشته در مقابل جمهوری اسلامی شکست خورده گان بوده اند.

احمدی نژاد و جریان ناسیونالیست اسلامی در خود رژیم اینها را خانه خراب و ورشکسته کرد. پرچم ناسیونالیسم را از دست اینها در آورد. کسی که ناسیونالیست

در آن جامعه همه چیز هست، پول هست، ثروت هست، گاز و نفت مفت هست. و اینها تماما دارد صرف دستگاه سرکوب، شکنجه و تحمیق و موجوداتی میشود که به آنها میگویند روحانی! کسانی که پول میگیرند بابت اینکه "روحانی" باشند! جیب خود را پر و شکم هایشان را بزرگ کنند و البته روان مردم گرسنه را شاد نگاه دارند! مردم دارند از سرما و گرسنگی و فقر و استعمار و بیکاری می میرند. کارگر شرکت واحد برای اینکه ذره ای به حقوقش اضافه کنند چه بدبختی هایی دارد می کشد. کارگر نساجی ها همه بیکار شده اند. محمود صالحی در زندان دارد می میرد. اسالو کجاست. دانشجویان زیر شکنجه اند....

این واقعیت جامعه ای است که سر تا پای آن دروغ است. و دروغگو ترین آدمهایش هم شبکه های خود دولت هستند. مردم باید بگویند که قبول نداریم. جمع شوند متحدانه انبارهای گاز و نفت و بنزین را مصادره کنند. غارت نه! مصادره کنند و بین مردم تقسیم کنند. کمیته هایی را شکل دهند. و گرنه منتظر شویم آقای احمدی نژاد یا آقای خامنه ای دلشان به رحم بیاید برای اینکه اسلام لطمه نخورد غرو لندی کنند که گاز ارزانتری بدهیم، نمیشود.

چرا باید گاز را ارزانتر بدهیم؟ گاز مفت است چرا مجانی نمیدهند؟ چرا بحساب آقای خامنه ای یا به حساب حوزه علمیه گاز مجانی به مردم نمیدهند؟ جامعه پر از ثروت است و یک دستگاه سرمایه داری اسلامی کثیف بر آن سوار شده و دارد مردم را می کشد. مردم اگر این را بدانند خود میدانند چکار باید بکنند. نباید از اینها قبول کرد.

پرتو: اعتراضاتی هم بود در این مدت که بیشتر عصبانیتهای مردم را نشان میداد حمله به چند مرکز رژیم بود و از این سر نبود که باید

قطعنامه تحریم علیه ایران، برزخ بحران هسته ای

رحمان حسین زاده



قضیه امتیازات کمتری به جمهوری اسلامی بدهند.

باید تاکید کرد که روسیه و چین نه

تنها در این ماجرا و تحولات منطقه، بلکه در سطح جهانی وزنه مهم تری پیدا کرده اند. یکی از آثار شکست آمریکا در عراق و ناکامیهای دولت سوپر راست بوش در پیشبرد پروژه "نظم نوین جهانی و ضربه پیشگیرانه"، قدرتمند شدن موقعیت روسیه و چین در اقتصاد و سیاست جهانی است. بحث تقسیم مجدد جهان اتفاقا اشاره به تعیین سهم بیشتر قدرتهای جدید و بویژه سهم روسیه و چین در آرایش سیاسی و اقتصادی جهانی است. واضح است به دنبال ناکامیهای آمریکا در منطقه، چین و روسیه در خاورمیانه میدان

آمریکا و غرب در این ماجرا باشد، بیشتر اهرم سیاسی تبلیغی برای سازش و معامله سراین پرونده با جمهوری اسلامی است. کشمکش آمریکا و غرب با جمهوری اسلامی بیشتر به طرف سازش با هم چرخیده است. جمهوری اسلامی که موقعیت منطقه ای خود را بهبود بخشیده و به عنوان قدرت منطقه ای پذیرفته شده، فکر میکند در موقعیت مناسبی برای سازش و حل این مسئله و دیگر مسائل فیما بین است. چراغ سبزههای اخیر خامنه ای، دیدار البرادعی با وی، رابطه نرمالتر جمهوری اسلای با آژانس اتمی و حتی اظهارات آرام تر احمدی نژاد در یکی دو ماه اخیر نشانه های این روند است. صدور قطعنامه فعلی بیشتر این خاصیت را دارد که در معامله احتمالی در مورد این

ماند. در این چارچوب و با فشار آمریکا و کشورهای اروپایی بحث تدوین یک قطعنامه تحریمی جدید علیه جمهوری اسلامی مطرح است. آنچه در فکر تدوین آن هستند، تدوین یک قطعنامه ضعیف و شکننده و از سر ناچاری است. وزیر خارجه روسیه به عنوان یکی از شرکت کنندگان در تدوین این قطعنامه اعلام کرده، "قرار نیست تحریمها تشدید شود، بلکه خاصیت هشدار دهنده برای جمهوری اسلامی دارد". چین یک پای دیگر این ماجرا همزمان بزرگترین قرار داد معاملاتی گاز با ایران را دارد می بندد. تلاشهای آمریکا و کشورهای اروپایی بیشتر خاصیت پروپاگاندا و تبلیغی دارد تا ما به ازاء عملی جدی. به جای اینکه نشانه قدرت

پنج عضو دائم شورای امنیت و آلمان در فکر تهیه یک قطعنامه جدید علیه ایران هستند. این قطعنامه نشانه تحول مهمی در ماجرای کشمکش هسته ای نیست. تلاش برای تدوین چنین قطعنامه ای را باید در بطن موقعیت کنونی دو طرف در این رویداد و در سطح منطقه دید. آمریکا در کشمکش هسته ای با برزخ و استیصال روبرو است. قدرت مانور زیادی ندارد. همه میدانند حربه "گزینه نظامی" که قبلا به آن پناه میبرد، آن جدیت لازم را ندارد. اقدامات تحریمی تاکنونی هم جواب مطلوبی برایش نداشته است. سفر اخیر بوش هم به خاورمیانه و کشورهای عربی نتوانست آن جبهه مقابله با جمهوری اسلامی که مورد نظر بوش بود را به وجود بیاورد. همه میگویند که سفر بوش ناکام

به هم بافته شدن و سازمان یابی به جایی نمیرسد. هم مردم باید برای سازمان یافتن آماده گی پیدا کنند و هم سازمان دهندگانی که مردم را متشکل میکنند باید آستین بالا بزنند. کمونیستها باید نمونه مجسم چنین فعل و انفعالی در جامعه باشند. حمله به دانشجویان آزادخواه و برابری طلب بخاطر این است که مانع این سازمان یابی شوند.

جمهوری اسلامی میدانند که کمونیستها همین نقش را بازی می کنند. و در نتیجه می ترسد و میزند. و گر نه تا وقتی که شما بنشینید و شب تا صبح کتاب بخوانید و اوراد سوسیالیستی به دور خودتان فوت کنید کسی اذیت تان نمیکند. اما وقتی که از پوسته تان میایی بیرون می آید و میخواهید در جامعه کاری بکنید آنوقت یقه تان را میگیرند و زندان و شکنجه و اعدام را در مقابل تان قرار میدهند. این جدال همیشه گی بین کمونیستها و بورژواهاست. *

سازمان پیدا کرد و متشکل شد. شورا و مجمع عمومی درست کرد. کمیته درست کرد. انجمن و هر چیزی را که ممکن میشود درست کرد. دخالت مستقیم کرد در سیاست و سرنوشت خود را بدست گرفت. اگر نمیخواهیم بچه هایمان از سرما بمیرند باید آن چیزی که گرما میاورد را از دست کسی که آن را احتکار کرده است در بیاوریم. دولت بزرگترین محترک است. همه گاز و برق و نفت دست دولت است، همه را نگه داشته و خرد خرد و قطره چکانی با قیمت زیاد به مردم می فروشد.

پرتو: یعنی در متن کل این اعتراضاتی که در مقابل قطع گاز و سرما و... پیش میاید حلقه گم شده تشکل است؟

کوروش مدرسی: دقیقا تشکل است. حلقه گم شده تشکل و سازمان پیدا کردن است. اعتراضات بدون تشکل و بدون

است که به مردم قدرت میدهد که این کار را بکنند. و این در دست رهبران مردم که در محل حضور دارند، بخصوص دست کمونیست های آن جامعه است. اگر امروز کمونیستی در آن جامعه هست و محمل اتحاد مردم نشود پس دیگر خاصیت آن کمونیست چیست؟ خاصیت ما کمونیستها که فقط حرف زدن نیست. خاصیت ما کمونیستها این است که درست در این شرایط بتوانیم مردم را متحد کنیم. هر جایی در یک محله در کارخانه در مدرسه در دانشگاه و هر جا که هستیم مثل ذره بلوری باشیم که وقتی در مایع خودش قرار میگیرد دور خودش نبات یا کریستال درست میکند. میخواهم بگویم اعتراض، عصبانیت مردم را می رساند و ممکن هم هست در یک جایی دولت را به عقب بنشانند. ولی اعتراض خالی مردم را به جایی نمی رساند. باید مبارزه کرد. مبارزه هم یعنی اینکه باید

جایی را مصادره کرد و سوخت را گرفت و در دست مردم گذاشت. مثلا کمیته محل سوخت را بین مردم تقسیم کند.

کوروش مدرسی: اعتراض خیلی وقتها به نتیجه نمی رسد. مبارزه یعنی اعتراض متشکل. برای مبارزه باید متشکل شد. آدم عصبانی می شود خوب معلوم است که داد میزند. اما وقتی این داد زدن با همسایه و همکار و هم کارخانه ای اش همراه نشود و فکری به حال بدبختی خود نکنند اگر این آدمها جلو نیافتند و این اتحاد را بوجود نیاورند، اگر کمونیست هایی نباشند که لولای این اتحاد باشند خوب مردم میروند و دادشان را میزنند و برمیگردند خانه. نمی شود که در خیابان خوابید! بالاخره داد میزنی و زورت به رژیم نمی رسد و شب می شود و باید بروی خانه و خانواده داری. فقط اتحاد و سازمان پیدا کردن

برای تشکیل مجمع عمومی، اجازه جمهوری اسلامی لازم نیست

حسین مرادبیگی



دیگری دور هم جمع شوند. کارگرانی که در یک روز و یک ساعت معین در یک جا جمع میشوند، به جمهوری اسلامی میگویند که همه ما داریم برای گرفتن فلان حق و حقوق خود تصمیم میگیریم. میگویند نمی توانید یکی از ما ها را نشانه روید، حتی اگر این کار را هم نکنید نمی توانید مانع تجمع دوباره همه ما در کانتین و یا صحن کارخانه و محل کار شوید. جمهوری اسلامی نمی تواند که همه کارگران را یک جا دستگیر کند. برای ایجاد این تشکل، مجمع عمومی، کارگران نیازی به زدن در مقامات و ادارات تابعه جمهوری اسلامی ندارند. نیازی به رسمیت دادن آن از جانب جمهوری اسلامی ندارند. مگر جمهوری اسلامی خود از کارگران بخواهد که بیایند به مجمع عمومی خود رسمیت دهند. در این صورت واضح است که کارگران یکی دو نفر از اعضاء هیئت اجرایی مجمع عمومی خود را میفرستند فلان اداره کار جمهوری اسلامی و به تشکل خود رسمیت میدهند. آنچه که این موقعیت و این رویارویی را برای کارگران و به نفع کارگران تضمین میکند، ادامه کاری مجمع عمومی است، برگزاری جلسات آن

از کارهایش جلوگیری از تجمع و تشکل و اتحاد طبقه کارگر است تا شرایط برده وار و سطح زندگی بسیار نازل فعلی را به طبقه کارگر ایران تحمیل کند. جمهوری اسلامی به محض شروع هر اعتراض و اعتصاب کارگری ای پاسدار و نیروی انتظامی خود را میفرستد تا به کارگران نشان دهد که نه با کارفرما و سرمایه داران که مستقیماً با جمهوری اسلامی طرفند. فعالین و رهبران کارگری را به زندان می اندازد تا نشان دهد تا آنجا که در توانش هست از پراکنده نگاه داشتن کارگران دست بر نمی دارد. در مقابل این وضعیت تاکید ما بر عدم اجازه از جمهوری اسلامی است و بطور ویژه تر تاکید ما روی مجمع عمومی است به عنوان تنها تشکلی که کارگران را از کسب اجازه و یا سرگردان شدن در دالانهای این یا آن اداره جمهوری اسلامی بی نیاز میکند. این خصلت مجمع عمومی است که حتی دولت سراپا ضد کارگری و هاری چون جمهوری اسلامی نیز نمی تواند مانع از تشکیل آن شود. نمی تواند مانع از تجمع کارگرانی شود که برای بررسی مشکلات و شرایط کاری خود هر وقت که بخواهند در صحن کارخانه و یا هر مرکز کاری

کارگران نیشکر هفت تپه، در آخرین اطلاعیه خود نوشته اند، به مجمع عمومی، تشکل واقعی خود رسمیت علنی داده اند و برای ادامه کاری آن هیئت موسس یا هیئت اجرائی آن را نیز انتخاب کرده اند. از متن اطلاعیه چنین برمیآید که نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه برای رسمیت دادن به مجمع عمومی خود نزد ادارات جمهوری اسلامی از قبیل اداره کار و غیره رفته اند تا از این لحاظ نیز مجمع عمومی خود را رسمیت دهند. مطابق معمول، نمایندگان حکومت اسلامی به نمایندگان کارگران نیشکر جواب سربالا داده و حتی آنان را تحقیر نیز کرده اند. در این رابطه مساله ای که لازم به تاکید و یادآوری است این است که، کارگران برای ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از جمهوری اسلامی بویژه مجمع عمومی نیازی به کسب اجازه و حتی رسمیت دادن به آن توسط جمهوری اسلامی ندارند. کارگران اگر بخواهند و هر وقت لازم به بینند خودشان میروند آن را جایی ثبت میکنند. واضح است منظور این نیست که در ایران تحت حاکمیت اسلامی سرمایه برای طبقه کارگر مساله به این سادگی پیش میروند. جمهوری اسلامی یکی

است هر وقت که کارگران لازم به این ادامه کاری هم وقتی تضمین خواهد شد که کارگران در اولین نشست مجمع عمومی خود هیئت و یا جمع اجرائی مجمع عمومی را انتخاب کنند. این هیئت یا جمع اجرائی در فاصله دو نشست مجمع عمومی، مسئول پیگیری مسائل و خواستها و حق و حقوقی میشود که کارگران از کارفرما و دولت خواسته اند. در صورت عملی نشدن آنان و یا طفره رفتن و زدن زیر آن از طرف دولت و کارفرما، فراخوان مجمع عمومی کارگران را میدهند و کارگران در مورد نحوه پیشبرد مبارزه خود برای احقاق حقوق خود تصمیم جمعی میگیرند. موفقیت کارگران در این تقابل پیچیدگی خاصی ندارد، جز فراخوان نشستهای مجامع عمومی توسط کارگران هر وقت که لازم شد و در نتیجه تحمیل آن به جمهوری اسلامی. این کار، عدم کسب اجازه از رژیم اسلامی را تضمین و کارگران را از دودین به دنبال این یا آن مامور جمهوری اسلامی و یا اداره کار تابعه آن، بی نیاز میکند.



دارتر شده اند. بویژه به متحدان نزدیک جمهوری اسلامی تبدیل شده اند. چین و روسیه در کشمکش آمریکا و جمهوری اسلامی بیشتر نقش کند کننده سیاستهای آمریکا را داشته اند تا تشدید کننده آن بر علیه جمهوری اسلامی. در تهیه این قطعنامه هم همین نقش را دارند. مساله اصلی کماکان این است که صدور قطعنامه سوم تحریم، مثل تمام موارد قبلی بیشترین ضرر آن علیه مردم است. این قطعنامه هر چند هم در مناسبات بین آمریکا و غرب و جمهوری اسلامی کم خاصیت باشد، اما بیشترین خاصیت را برای جمهوری اسلامی دارد که به این بهانه به سفره خالی مردم و به معیشت و زندگی کارگر و مردم در جامعه ایران تعرض کند. جمهوری اسلامی به بهانه "تحریم شدید واردات و صادرات کالاهایمان را کنترل و محدود کردند، تحت فشار قدرتهای غاصب هستیم" بی مسئولیتی خود را در قبال جامعه توجیه میکند. تعرض به معیشت و زندگی مردم را تشدید میکند. در نتیجه بار دیگر مردم تحت فشار قرار میگیرند. به همین دلیل این اتفاق از جانب ما و مردم محکوم است. طرفین این ماجرا باید رسوا شوند. ماهیت حرکت ضد انسانی تحریم باید افشاء شود.

آزادی برابری حکومت کارگری